

حروف مقطعه قرآنی یا فواتح سور

-۲-

۹- قول کسانی است که گویند این حروف علامت و نشانی است از طرف خداوند متعال بر اهل کتاب، زیرا بآنها قبلاً گفته شده بود که پیغمبر خاتم را کتابی است که در اوایل سور آن حروف مقطعه جای دارد.

۱۰- زمخشری^۱، در کشاف میگوید: «فیه اوجه - احدها وعلیه اطلاق الاكثر - انها اسامی السور، و ثانیها - ان الله اقسام بها یقرع و ثالثها - ان یعود السور للصدرة بهذه الحروف لتکون اول ما یقرع الاسماع.»

ابن قتیبه دینوری^۲ ازین عقاید و حدسیات سه عقیده را که بیشتر رایج است اختیار کرده و گوید: «فکان بعضهم (المفسرون) يجعلها اسماء للسورة تعرف کل سورة بما افتتحت به منها وکان بعضهم يجعلها اقساماً وکان بعضهم حروفاً مأخوذة من صفات الله عز وجل...»

پس برای هر يك از این سه عقیده بر روایات و اخبار و لغت عرب استشهاد کرده شبها را جرح نموده، تا آنجا که میگوید:

«و لكل مذهب من هذه المذاهب وجه حسن و ارجوان لا یكون ما ارید بالحروف خارجاً عنها انشاء الله.» ۳

۱۱- اقوالی که در فوق ذکر شد غالباً سخنانی است که از مشایخ سنت و جماعت منقول است و در غالب آن علماء شیعه امامیه نیز اتفاق دارند^۴، ولی طایفه خاصی را نیز اخبار و روایاتی است که بعضی از آنرا در اینجا ذکر میکنیم:

۱- زمخشری - الامام محمود بن عمر الخوارزمی، جارالله، من ائمة العلم ولد فی زمخشر سنة ۴۶۷ ومات بخوارزم سنة ۵۳۸، اشهر کتبه «الکشاف» فی التفسیر

۲- ابن قتیبه الدینوری - عبدالله بن مسلم - النحوی اللغوی له المصنفات المعروفة منها «القرطین» توفی سنة ۲۷۶ بیفداد.

۳- القرطین، صفحہ ۶

۴- در تفسیر امام حسن عسکری از امام ع نقل شده که «معنی الم آنستکه این کتاب از حروف تهجی است» و در مجمع البیان از امیر المومنین ع نقل شده که «برای هر کتاب خلاصه ایست و خلاصه قرآن حروف تهجی است» و همچنین راجع بدیگر عقاید که اظهار شده از ائمه شیعه هم روایاتی در دست است.

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان^۱ در ذیل تفسیر آیه اول از سوره البقره گفته است که ابواسحق الثعلبی از امام رضا نقل کرده است که از جعفر بن محمد الصادق ع سؤال کردند از معنای (الم)، فرمود: فی الالف است صفات من صفات الله تعالی

۱- الابتداء فان الله ابتداء جميع الخلق والالف ابتداء الحروف
 ۲- الاستواء فهو عادل غير جائر والالف مستوی فی ذاته
 ۳- الانفراد: الله فرد والالف فرد
 ۴- الاتصال الخلق بالله والله لا يتصل بالخلق وكلهم محتاجون الى الله والله غني عنهم، وكذلك الالف لا يتصل بالحروف والحروف متصله به وهو متقطع من غيره
 ۵- التباين والله عز وجل باين بجميع صفاته من خلقه (كذلك الالف مباین من سائر الحروف .

۶- الالفه كما ان الله سبب الفة الخلق كذلك الالف عليه تالفت الحروف....»

بعضی از متفقین شیعه از ۱۴ حروف فواتح این عبارت را استخراج کرده اند و گفته اند: «صراط علی حق نمسکه». علاوه بر این اقوال دیگر برای هر یک از فواتح سوره بالاختصاص آمده و برای هر کدام معنایی خاص قائل شده اند چنانکه گویند: طه یعنی «یارجل» و همچنین طه یعنی «طاء الارض» و یا آنکه طه - بمعنی «یابدر» است، زیرا حروف طه بشمار جمل ۱۴ است و لیله بدر نیز شب چهاردهم از هر ماه میباشد. و - ق - در قرآن اشاره است به «جبل قاف» و نیز گویند: - یس - یعنی «یاسید المرسلین» و - ص - یعنی «صدق الله تعالی» و ص اسم بحری است که در آب آن مردگان زنده شوند، و نیز میگویند: ص یعنی «صاد محمد قلوب العباد» و ص علی ذلك، که برای دانستن آن اقوال بکتاب مفصلة تفسیر و بکتاب الاتقان سیوطی رجوع باید کرد.^۲

اما حکمای اسلام نیز بعشرب خود برای حروف هجائیه در فواتح سوره قرآن تاویلاتی قائل شده اند. از آن جمله شیخ الرئیس ابوعلی بن سینا را رساله ایست بنام «الرسالة النبروزية فی الانباء عن الغرض المضمرة فی الحروف الهجائية فی فواتح عدة سور فرقانية» و آن رساله در سه فصل است: فصل اول در ترتیب موجودات، فصل دوم در دلالت

۱ - جلد اول صفحه ۳۲

۲ - الاتقان جلد دوم صفحه ۱۸

حروف بر موجودات ، فصل سوم که نتیجه بحث اوست ، در غرض از حروف مذکور ،
و در آنجا میگوید :

فاذا تقررنا ذلك فبقول ان المدلول عليه
(بآ لم) هو القسم بالاول ذى الامر والخلق
و (بالمر) هو القسم بالاول ذى الامر والخلق الذى هو الاول والاخر والمبدء
الفاعلى ولمبدء العالى جميعاً

و (بالمص) القسم بالاول ذى الخلق والامر و منشاء الكل
و (بص) القسم بعناية الكليه

و (بق) القسم بالابداع المشتمل على الكل بواسطة الابداع المتناول للعقل
و (بكهيهص) القسم بالنسبة التى للكاف اعنى عالم التكوين الى المبدء الاول ،
ينسب الابداع الذى هو -ى- ثم الخلق بواسطة الابداع صائراً لوقوع الاضافة
بسبب النسبة امرأ وهو -ع ثم التكوين بواسطة الخلق والامر وهو -ص

الله و (حم) قسم بالعالم الطبيعى الواقع فى الخلق

و (يس) قسم باول الفيض وهو الابداع و آخره وهو الخلق

و (جمسق) قسم بمدلول وساطة الخلق فى وجود العالم الطبيعى بينه وبين

الامر نسبة الخلق الى الامر و نسبة الخلق الى التكوين...

و (ن) قسم بعالم التكوين و عالم الامرا عنى مجموع الكل. ولم يمكن ان

يكون للحررف دلالة غير هذا البته ثم بعد هذا اسرار تحتاج الى المشافهة:

و نیز باید اضافه کرد که بعضی از علمای اسلام برای این حروف خواص و آثار

غیبیه قائل شده اند که اگر آنها را بطریقی که منقول است بنویسند و با خود دارند و یا

تکرار نمایند از آن خواص عجیبه ظاهر شود. مثلاً بر مقاصد ظفر یابند یا از مهالك ایمن

شوند و امثال آن .

و برین مقصود کتب بسیار نوشته اند که از آن جمله است کتاب - فواتح السور -

تألیف الغزالی، و اداد الدر النظیم فی خواص القرآن العظیم - تألیف ابن خشاب عبد الله الیمنی

و بفارسی کتاب «بحر الحقائق» و غیره - و این خواص و کیفیت استفاده غیبی از آن حروف

از حوصله ابن مقال خارج است در اینجا بهمین اشاره اکتفا میشود .

امادانشمندان متأخر از شرق شناسان اروپا که در قرآن مجید تحقیقات و مطالعات

نموده اند ایشانرا نیز اقوالی است: بعضی از ایشان از محققین اسلامی پیروی کرده و عین عقاید

آنانرا اخذ کرده‌اند، بعضی دیگر برای خود معانی و تاویلات جدیده نموده‌اند که غالباً بیرون از غرابت بلکه خالی از سخافت نیست، چندقول مشهور از آن جمله در اینجا برای نمونه ذکر میگردد:

۱ - نولدکه (۱) تصور کرده است که پیغمبر اسلام ع برای این حروف معنای خاصی اراده نفرموده، بلکه میخواسته است بصورت امر کلماتی از ام الکتاب که در لوح محفوظ ثبت شده است بیاد بیاورد، (۲). اگر این سخن نولدکه درست میباشد لازم میآید که در اول تمام سوره قرآن حروف مقطعه نازل گردد و محدود به ۲۹ سوره نباشد.

۲ - بوئر^۱ میگوید که این حروف از بعضی اسامی همان سوره استخراج شده مانند ق از القلم، و طسم از کلمات «طور سینا و موسی» در همان سوره. و - حم - اشاره است به کلمه «جحیم» در سوره الشوری، ولی این مظنه نیز قابل قبول نیست زیرا در بعضی از حروف فواتح اصلاً و ابتداءً اشاره به هیچ یک از کلمات آن سوره که ذیل آنهاست بدست نمیآید.

۳ - گسن^۲ و هرشفلد^۳ و بوهل^۴ بران رفته‌اند که بعضی از اصحاب پیغمبر نسخه بعضی از سوره‌ها را بملکیت داشته‌اند و بر روی آن مفتاح یا سر آغاز یا خوانتم اسم خود را می نوشته‌اند، بعدها که نسخ مختلف را از هر جا و نزد هر کس گرد کردند آن حروف مقطعه که دلالت بر نام صاحب آن نسخه داشته در قرآن وارد شده، مثلاً سوره طه بملکیت طلحه، و هیم - سوره متعلق بمغیره و - ه - اشاره بنسخه ابوهریره، و س به نسخه سعد - وع بنسخه عثمان - و قس علی ذلك که همه آن حروف مفتاح یا علامت نام صاحب آن نسخ است. این عقیده نیز منقوض است بانکه خلفاء اسلام که در صحت و اصاله قرآن مجید در موقع تدوین مصاحف سعی زیاد مبذول میکرده‌اند و همیشه از اضافه و نقصان و تحریف در کلمات کتاب الهی اجتناب میفرموده‌اند محال است که حروفی از این قبیل را بعداً

۱ - T. Noeldeké, 1836 - 1930 مستشرق آلمانی پرفسور السنه شرقیه در کابل و استرا سبورک

۲ - دائرة المعارف اسلامی در کلمه قرآن

۱ - H. Bauer ۲ - Gossens

۳ - H. Hirschfeld ۴ - بوهل F. Buhl مستشرق دانمارکی، 1850 - 1932، استاد دانشگاه کوبنهاگ

الحاق کرده باشند، و برای چه مقصود کبارال و اصحاب مانند علی بن ابیطالب و ابی بن کعب و ابن مسعود این علامات را که اسامی اشخاص متفرقه است در متن مصاحف خود داخل کرده اند! و این مظنه معقول نیست.

۴ - بعضی دیگر بر آن رفته اند که استعمال حروف مقطعه به تقلید از اخبار یهود برای اشاره بکلمات خاصی یکبار برده شده است تا آنکه آن کلمات و اسامی از آن استخراج گردد^۱ ولی این عقیده نیز قطعی نیست زیرا که اگر آن حروف را بکلمات تبدیل کنند اسامی متعدد بدست می آید که در نتیجه همه مشکوک خواهد بود.

۵ - اسپرنگر^۲ از این حروف رموز و جمل خاصی را استخراج کرده، مثلاً - گفته است: طلسم اشاره است به مقلوب کلمات - لایمسه الا المظهر و ن. این حدس و تخمین بقدری بعید و خالی از صحت است که بحث در آن ضرورت ندارد.

بر این مقالات مظنه های جدیدی را که بعضی از علماء متجدد زمان ما آورده اند اضافه میکنیم تا از درجه اوهام و تصورات اهل عالم در باره این رموز غیبیه مثالی باشد.

۱ - یکی از آن جمله سخن دکتور زکی مبارک است که در کتاب «النثر الفنی» چنین گفته است: «کنت اتحدث عن فواتح السور مع المسیو بلانشو فعرض علی تاویلا جدیدا بالدرس والتحقیق و فی رایه ان الحروف - الم - الر - حم - طسم، هی کالحروف (A.N:iz) التي توجد فی بعض المواطن من Chanson de gestes ایست الا (Neumes) ای اشارات و بیانات موسیقیه یتبعها المرتلون، فلیس بمستبعد ان تكون فواتح السور اشارات صوتیه لتوجیه الترتیب وان تكون، متابعه لبعض الترانیم الجاهلیه^۳

۲ - دیگر استنباطی است که بعضی از علماء روحانی متجدد مصر نموده اند^۴ و میگویند عالم محسوسات بر پایه عدد ۲۸۵ قرار گرفته است، و بر این مدعا شواهد بسیار از عدد مفاصل دستها، و عدد فقرات ستون پشت انسان و بعضی حیوانات، و عدد بالهای طیور، و عدد

۱ - بلاشرفرانسوی R. Blachèrr ترجمه جدید قران پاریس، مقدمه ص ۱۴۸
 ۲ - Sprenger مستشرق اطریشی پروفیسور دانشگاه برلن ۱۸۱۳-۱۸۹۳

۳ - القران - محمد صبیح صفحه ۱۳۲

۴ - مناهل العرفان، طبع مصر ص ۲۲۷

فقرات دم بعضی از جانوران ، وعدد حروف در لغت عربی- «وهی اتم اللغات»، و عدد منازل قمر ذکر کرده اند^۱ - بنابراین قران مجید نیز از حروف عربیه که ۲۸هک است مرکب شده ، نیمی از آن ۱۴ حرف منطوق و مصرح در او آمل سوره است ، و نیمی دیگر غیر منطوق و متفرق در کلام مجید است چنانکه گوئی میفرماید :

ای عبادی! ان منازل القمر ثمان و عشرون و هی قسمان ، و مفاصل الکف ثمانية و عشرون و هی قسمان وهكذا فلتعلموا ان هذا القران اهو تنزیل منی لانی نظامت حروفه علی هذا المنط الذي اخترته فی صنع المنازل و الاجسام الانسانیة و الحیوانیة .

چه بسا که عقاید و آراء جدید در این مسئله که از معضلات مسائل قرآنی است نیز بظهور رسیده که نویسنده سطور را بران آگاهی حاصل نگشته است .

بیش ازین در این حروف اسرار آمیز قرآنی سخن گفتن جایز نیست و بنظر ما برای آنکه از تفسیر بر آید در امان باشیم سخن را با آنچه سیوطی در ابتدای کلام خود نقل کرده با آخر میرسانیم - و آن روایتی است از شعبی که گفت: «انه سئل عن فواتح السور: قال- ان لكل كتاب سر و ان سر هذا القران : فواتح السور»

۱- مناهل العرفان، مصر ۲۲۷. تفسیر طنطاوی آل عمران .

حکایت

یکی نایب‌نمائی را گفت کاشکی من بدانمی که ترا از این نایب‌نمائی چه فایده است ؟
گفت فایده من آنست که روی چون تو کس نبایدم دیدن !

تحفة الملوك